

مطالعه جوامع زئوپلانکتونی و بررسی رابطه آن با پارامترهای غیرزیستی آب دریاچه سد کارون 4

- **سیدعبدالمجید موسوی***: گروه شیلات، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، صندوق پستی: 775-14515
- **ابوالقاسم کمالی**: گروه شیلات، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، صندوق پستی: 775-14515
- **مهدی سلطانی**: گروه شیلات، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، صندوق پستی: 775-14515
- **مهدی شمسایی**: گروه شیلات، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، صندوق پستی: 775-14515

تاریخ پذیرش: اردیبهشت 1393

تاریخ دریافت: بهمن 1392

چکیده

این مطالعه در دریاچه سد کارون چهار واقع در استان چهارمحال و بختیاری به مدت 1 سال از اسفند 90 تا بهمن 91 صورت گرفت. در این پژوهش سه ایستگاه در نظر گرفته شد، یک ایستگاه در نزدیکی تاج سد و دو ایستگاه در سرشاخه‌های ورودی دریاچه در رودخانه‌های ارمند و بازفت. برخی پارامترهای کیفی آب و همچنین پارامترهای زیستی مانند شناسایی و شمارش زئوپلانکتون‌ها و میزان کلرفیل a مورد ارزیابی قرار گرفت. براساس بررسی‌های صورت گرفته، چهار گروه زئوپلانکتونی در منطقه مورد مطالعه، شناسایی گردید. که شامل پروتوزوآ (Protozoa)، گردان‌تنان (Rotifera)، کلاوسرا (Cladocera) و پاروپایان (Copepoda) بودند. در این میان روتیفرها با 27 گونه دارای بالاترین تنوع بین گروه‌های شناسایی شده بود. پس آن پاروپایان با 7، کلاوسرا با 5 و پروتوزوآ با 4 گونه بیش‌ترین تنوع گونه‌ای را به خود اختصاص دادند. در مقایسه بین فصول مختلف از نظر تنوع، از مجموع 43 گونه شناسایی شده، تابستان با 36 گونه بالاترین تنوع گونه‌ای را دارا بود. پاییز با 35، بهار با 32 و زمستان با 25 گونه در مراحل بعد از نظر تنوع گونه‌ای قرار داشتند. در میان گروه‌های زئوپلانکتونی به‌جز کوبه‌پودا بقیه در فصل زمستان فراوانی بسیار کمی داشتند. نرخ غلظت کلرفیل a، میزان پارامترهایی مانند فسفر و گونه‌های شناسایی شده زئوپلانکتونی نشان‌دهنده غالبیت شرایط الیگوتروفی در دریاچه مورد مطالعه بود. براساس نتایج به‌دست آمده تمامی شاخه‌های زئوپلانکتونی دارای همبستگی مثبت و معنی‌دار با پارامترهایی مانند دما، و کلرفیل a بودند ($P < 0/01$). از طرفی فراوانی زئوپلانکتون‌ها با اکسیژن محلول همبستگی منفی غیرمعنی‌داری را نشان داد ($P > 0/05$).

کلمات کلیدی: گردان‌تنان، پاروپایان، کارون 4، اکسیژن محلول

مقدمه

Egborge, 1972؛ Edmonson, 1965).

زئوپلانکتون‌ها به‌عنوان منبع غذایی مهمی برای بسیاری از موجودات آبی مطرح هستند. این موجودات شامل پروتوزوآها، کلاوسرا، کوبه-پودا، روتیفرها و لارو ماهی می‌باشد که اغلب به‌عنوان شاخص نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. زئوپلانکتون‌ها در محیط‌های مختلف که از نظر فاکتورهایی چون وجود نور، دما و سطوح غذایی متفاوتند زندگی می‌کنند. ترکیب گونه‌ای و فراوانی زئوپلانکتون وابسته به عوامل مختلفی چون شرایط فیزیکیوشیمیایی آب، فصل،

جمعیت زئوپلانکتونی ساکن آب‌های شیرین اجتماع کاملاً متنوعی از موجودات را تشکیل می‌دهند. این موجودات بیشتر جزئی از شاخه بی-مهرگان هستند، اما عمده‌ترین زئوپلانکتون شامل روتیفرها، کلاوسرها، کوبه‌پودا و اوستراکودا هستند.

همچنین توزیع و تنوع آن‌ها تحت تأثیر تغییرات فصلی، شرایط فیزیکیوشیمیایی و فاکتورهای زیستی (مواد غذایی و فشار شکارگری می-باشد (Harikrishnan و Abdul Azis, 1989؛



مورفولوژی دریاچه، حضور ماکروفیتها و جلبکها، وجود شکارگرها و غیره می‌باشد (Florin, 1957). تغییرات فاکتورهای زیستی و غیرزیستی عواملی هستند که در توزیع گونه‌ها مؤثرند. فاکتورهای غیرزیستی مؤثر بر این توزیع، دما، اکسیژن محلول، نور و... می‌باشند. تأثیر این فاکتورها را می‌توان با اندازه‌گیری آنها و بررسی تراکم گونه‌های زئوپلانکتونی مورد ارزیابی قرار داد (Makarewicz, 1984).

سد مخزنی کارون 4 در جنوب‌غرب ایران و بر روی رودخانه کارون، بلافاصله در بالادست تقاطع رودخانه‌های منج و کارون و در فاصله 670 کیلومتری از مصب رودخانه واقع شده است. تراز بستر رودخانه 840 متر بالاتر از سطح دریا‌های آزاد بوده و عرض آن در ساختگاه سد حدود 30 تا 60 متر می‌باشد. هم‌چنین عمق رسوبات در کف رودخانه در محل طرح در حدود 30 متر است. شکل نامتقارن با شیب عمومی‌تندتر در جناح چپ بوده و عرض دره در تراز 7+1032 دره ساختگاه سد، یک دره (تراز تاج سد) در حدود 350 متر است، بر این اساس نسبت عرض به ارتفاع دره 1 به 8 به‌دست آمده است. ساختگاه سد کارون 4 در مرز استان‌های چهارمحال و بختیاری و خوزستان واقع شده و فاصله آن تا شهرکرد 185 کیلومتر (جنوب‌غربی شهرکرد) و تا شهر لردگان 35 کیلومتر (غرب-جنوب-غربی شهر لردگان) می‌باشد. این سد توسط دو رودخانه ارمند و بازفت تغذیه شده و متوسط دبی سالانه رودخانه‌ها $4/4927 \times 1000000$ متر مکعب بوده و دمای حداقل اقلیم محل سد برابر 8 درجه سانتی‌گراد و دمای حداکثر در محل سد برابر 32/4 درجه سانتی‌گراد برآورد می‌گردد.

با توجه به اینکه تاکنون مطالعات مربوط به بررسی جوامع پلانکتونی بر روی این دریاچه صورت نگرفته، نتایج به‌دست آمده می‌تواند از منظر زیست‌محیطی بسیار

قابل توجه باشد. ازاین‌رو با توجه به تغییرات شدیدی که در اکوسیستم رودخانه کارون صورت گرفته و دریاچه‌ای با حجم مخزن حدود 2/5 میلیارد مترمکعب ایجاد می‌گردد، قطعاً تغییراتی نیز در جوامع آبزیان این منطقه مشاهده خواهد شد. چراکه عملاً اکوسیستمی جدید با خصوصیات متفاوت در محل ایجاد شده است. از طرفی ترکیب جمعیت پلانکتونی می‌تواند به‌عنوان شاخصی برای تغییرات خصوصیات کیفی آب مورد مطالعه قرار گیرد. چراکه تغییرات این خصوصیات می‌تواند باعث ظهور گونه‌های جدید و انقراض برخی گونه‌ها یا تغییر در تراکم آنها گردد. با توجه به اینکه تاکنون مطالعاتی مربوط به بررسی جوامع پلانکتونی بر روی دریاچه سد کارون 4 صورت نگرفته است، تحقیق حاضر، با هدف مطالعه جوامع زئوپلانکتونی دریاچه سد کارون 4 و بررسی تغییرات آن از نظر تعداد و تراکم، با توجه به تغییرات فصلی و فاکتورهای کیفی آب صورت گرفت.

مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه:

مطالعه حاضر در دریاچه سدکارون 4 و پایین دست دو رودخانه ارمند و بازفت در استان چهارمحال و بختیاری صورت گرفت. سد کارون 4 که در سال 90 کامل شد، بلندترین سد بتونی دوقوسی ایران است که طول تاج آن از سطح زمین 230 متر، مساحت دریاچه آن 32 کیلومتر مربع و حجم آب این دریاچه 2/2 میلیارد مترمکعب می‌باشد. با توجه به شکل 1، در این مطالعه 3 ایستگاه در نظر گرفته شد. ایستگاه 1 در نزدیکی تاج سد ($21^{\circ} 36' 31''$ شمالی و $28^{\circ} 38' 50''$) ایستگاه 2 واقع در سرشاخه رودخانه ارمند ($19' 31''$ 31° شمالی و $48' 30'' 50^{\circ}$ شرقی) و ایستگاه 3 در سرشاخه رودخانه بازفت ($33' 40'' 31^{\circ}$ شمالی و $29' 50'' 50^{\circ}$ شرقی).

روش نمونه‌برداری: نمونه-

های آب (6 لیتر در هر



ژئوپلانکتونی و فیتوپلانکتونی (برای سنجش کلروفیل a) تا انتقال به آزمایشگاه و ارزیابی آزمایشگاهی، از فرمالدئید 4 درصد استفاده گردید. سپس نمونه‌های تهیه شده در یخ و تاریکی قرار داده شدند. نمونه‌ها تا زمان آنالیز در یخچال در آزمایشگاه نگهداری گردیدند. جهت نمونه-برداری از آب مورد نیاز در اندازه‌گیری pH و اکسیژن محلول (DO) از اعماق میانی آب استفاده گردید. برای اندازه‌گیری اکسیژن مورد نیاز بیوشیمیایی (BOD)، اکسیژن مورد نیاز شیمیایی (COD)، مواد جامد معلق کل (TSS)، نترات (NO_3) و فسفر کل نمونه‌ها پس از نمونه‌برداری از لایه بالایی آب براساس روش‌های بیان شده، عمل گردید (APHA، 1999).

ایستگاه) با استفاده از نمونه‌گیر روتنر (Ruttner) به‌صورت ماهیانه از اسفند 90 تا بهمن 91 تهیه گردید. به‌طورکلی سه ایستگاه برای اندازه‌گیری ژئوپلانکتون‌ها (شمارش و شناسایی) و بررسی برخی فاکتورهای غیرزیستی آب در نظر گرفته شد.

ژئوپلانکتون‌ها معمولاً توسط تورهایی با چشمه‌های ریز نمونه-براری می‌شوند. در پژوهش حاضر نیز از تورهایی با چشمه 200 میکرونی استفاده شد. کشیدن تور در مسیر عمودی برای تعیین پراکنش عمقی نمونه‌ها صورت گرفت. سپس نمونه‌های به‌دست آمده را درون شیشه تاریک ریخته و برای نگهداری آماده گردید. در این مرحله خصوصیات نمونه‌برداری یعنی زمان، ایستگاه و نوع نمونه با برچسب روی شیشه چسبانده شد. جهت حفظ نمونه‌های



شکل 1: موقعیت ایستگاه‌های مورد مطالعه در دریاچه سد

قرار گرفتند و بخش‌ها و اندام‌های مختلف آن‌ها بررسی گردید و در صورت وجود اشتباه مجدداً اصلاح گردید (APHA، 1999). غلظت کلروفیل- a توسط دستگاه اسپکتوفوتومتری انجام گردید (Wiśniewska، 2010؛ APHA، 1999). فاکتورهایی مانند کدورت، هدایت الکتریکی (EC)، دما، pH و اکسیژن محلول در محل نمونه‌برداری توسط دستگاه مولتی‌متر مدل AM-1260 و

سنجش پارامترها: برای شناسایی گونه‌ها از میکروسکوپ تشریحی برجسته (Tereoscopic Dssecting Microscope) مدل MI-420PH10 استفاده گردید (Goswami، 2004). برای این‌کار از همه نمونه‌ها عکس تهیه شده و همه آن‌ها به‌طور جداگانه با استفاده از منابع شناسایی مورد ارزیابی قرار گرفتند. سپس موارد شناسایی شده مجدداً در آزمایشگاه در نمونه‌های فیکس شده با طی همه روش‌های فوق مورد مقایسه



در مراحل بعد از نظر تنوع گونه‌ای قرار داشتند (جدول 1).

با توجه به جدول 1 مشاهده می‌گردد که 4 گونه از پروتوزوآها شناسایی شده است. این جانوران اغلب گونه‌های تکسلولی ساکن آب‌های راکد یا آب‌های با جریان کم هستند گونه‌های شناسایی شده موبوط به جنس‌های *Dfflugia* و *Paramecium* بوده که به ترتیب از شاخه‌های *Sarcomastigophora* و *Ciliophora* می‌باشند.

در میان جنس‌های شناسایی شده، جنس *Dfflugia* هم دارای بیشترین تنوع (3 گونه) هم دارای بیشترین تعداد است. در فصل تابستان جنس *Paramecium* با 2/7 عدد در لیتر و گونه *Dfflugia scalpellum* با 2 عدد در لیتر بالاترین فراوانی را دارند. در این گروه از زئوپلانکتون‌ها فصل زمستان با تنوع 1 و تعداد 0/3 عدد در لیتر دارای کمترین تنوع و تعداد گونه-ای است. بین گونه‌های شناسایی شده تنها گونه *Dfflugia scalpellum* در تمام فصول قابل مشاهده است. این گونه شاخص آب‌های الیگوتروف و مزو تروف است. اما بیشترین فراوانی در مجموع همه فصول مربوط به گونه *Dfflugia mulanensis* با 5/7 عدد در لیتر است. روتیفرها یکی از رایج ترین جانوران پلانکتونی ساکن آب-های راکد هستند که اندازه مولدین آن‌ها بین 100 تا 1000 و در برخی گونه‌ها تا 2000 میکرون متفاوت است. همان‌گونه که قبلاً گفته شد، روتیفرها دارای بالاترین تنوع در میان گروه‌های مورد مطالعه بودند.

براساس نتایج به دست آمده گونه *Lecane lunaris* با 4/3 عدد در لیتر و در تابستان، دارای بالاترین فراوانی بین گونه‌های شناسایی شده هستند. در فصل بهار چند گونه دارای بالاترین فراوانی با 3/7 عدد در لیتر هستند (جدول 1). در فصل بهار چند گونه دارای بالاترین فراوانی با 3/7 عدد در لیتر هستند. همان‌گونه که در جدول 1 مشاهده می‌گردد گونه‌های *Aspanchna priodonta* و *Lepadella ovalis* دارای چنین شرایطی می‌باشند که در

شفافیت به وسیله سشی‌دیسک مورد سنجش قرار گرفت. در آنالیز فاکتورهای غیرزیستی اندازه‌گیری شده توسط مولتی‌متر ابتدا توسط روتنر، آب از اعماق مورد تهیه شده و سپس توسط مولتی‌متر اندازه‌گیری گردید. جهت آنالیز فاکتورهای چون نیترات (میلی‌گرم در لیتر)، میزان جامدات معلق کل (میلی‌گرم در لیتر)، فسفر کل (میکروگرم در لیتر)، ازت کل (میلی‌گرم در لیتر)، اکسیژن موردنیاز بیوشیمیایی (میلی‌گرم در لیتر) و اکسیژن موردنیاز شیمیایی (میلی‌گرم در لیتر) به روش اسپکتروفوتومتری و با استفاده از دستگاه Hach مدل DR5000 استفاده شد.

تجزیه و تحلیل آماری: جهت

محاسبه ارتباط بین فراوانی زئوپلانکتون‌ها و پارامترهای کیفی آب و همچنین پارامترهای کیفی آب با یکدیگر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. جهت تعیین این آزمون، نرم‌افزار SPSS مدل 15 به کار گرفته شد. برای بررسی تنوع جوامع زئوپلانکتونی در دریاچه در فصول مختلف از شاخص‌های سیمپسون و شانون، غنای گونه‌ای از شاخص مارگالف، برای یکنواختی از شاخص‌های اونس و اکویتابیلیتی و شاخص غالبیت گونه‌ای استفاده شد که برای این کار، نرم‌افزار Past ورژن 3 مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج

براساس بررسی‌های صورت گرفته، چهار گروه زئوپلانکتونی در منطقه مورد مطالعه، شناسایی گردید که شامل پروتوزوآ، گردان-تنان، کلاوسرا و پاروپایان بود. در این میان روتیفرها با 27 گونه دارای بالاترین تنوع بین گروه‌های شناسایی شده بودند. سپس پاروپایان با 7، کلاوسرا با 5 و پروتوزوآ با 4 گونه بیشترین تنوع گونه‌ای را به خود اختصاص دادند. در مقایسه بین فصول مختلف از نظر تنوع، از مجموع 43 گونه شناسایی شده، تابستان با 36 گونه بالاترین تنوع گونه‌ای را دارا بود. پاییز با 35، بهار با 32 و زمستان با 25 گونه



K. quadrata و *K. tropica*، *K. tecta*، *cochlearis* فصول مختلف بالاترین فراوانی را دارد. در مورد کلادوسرا در بین فصول مختلف فصل تابستان با تنوع 5 گونه و فراوانی 15 عدد در لیتر دارای بالاترین تنوع و فراوانی بین فصول مورد مطالعه بود. در این میان گونه *Diaphanosoma brachyurum* با 4/3 عدد در لیتر بیشترین فراوانی را در بین گونه‌های شناسایی شده داشت (جدول 1).

پاروپایان (Copepoda) با تنوع 7 گونه پس از گردان‌تنان (Rotifera)، بالاترین تنوع را در بین گروه‌های شناسایی شده دارند. با توجه به نتایج به‌دست آمده همه 7 گونه در فصل تابستان قابل مشاهده‌اند. آن‌ها حتی از محیط‌های خشکی نیز می‌توانند از فراوانی به‌سزایی برخوردار باشند.

این میان گونه *Brachionus calyciflorus* از گونه‌های رایج خوزستان بوده و از گونه‌های رایج فصل بهار می‌باشد. دیگر گونه رایج این فصل *Lepadella ovalis* است که بیشترین فراوانی را در ماه‌های فصل‌های تابستان و بهار دارد. این گونه بیشتر در آب‌های راکد هم زندگی پلانکتونی داشته و هم ساکن گیاهان آبی است. فصل پاییز اگرچه تنوع بالایی از روتیفرها را به‌خود اختصاص می‌دهد، اما گونه‌های شناسایی شده دارای فراوانی بالایی نیستند. در فصل زمستان گونه *Synchaeta pectinata* با 3/7 عدد در لیتر و گونه *Keratella quadrata* با 2/7 عدد در لیتر بیشترین فراوانی را داشتند. نکته قابل توجه در مورد زمستان حضور گونه‌هایی چون *Pleurotrocha*، *Notholca squamula*، *Cephalodella serrate* و *petromyzon* است که شاخص آب‌های سرد است. جنس *keratella* دارای بیشترین فراوانی در بین گونه‌های مختلف در فصول متفاوت دارای بالاترین فراوانی می‌باشد. این جنس با گونه‌های *Keratella cochlearis*

جدول 1: فراوانی گونه‌های زئوپلانکتونی (org/L) به تفکیک فصل

گونه‌های زئوپلانکتونی	بهار	تابستان	پاییز	زمستان
Protozoa				
<i>lithoplites Diffflugia</i>	0/7	1	1	0
<i>Diffflugia scalpellum</i>	1	1	0/7	0/3
<i>Diffflugia mulanensis</i>	2	2	1/7	0
<i>.sp Paramecium</i>	0	2/7	1/3	0
Rotifera				
<i>priodonta Aspanchna</i>	3/7	4/3	2	1
<i>Brachionus urceolaris urceolaris</i>	2	3	1/7	0/7
<i>Brachionus calyciflorus</i>	3/7	4	1/7	0
<i>Cephalodella gibba</i>	2	3	1/7	1/7
<i>Cephalodella serrata</i>	0	0	0	2/3
<i>Colurella sanoamuangae</i>	2/7	3/7	2/3	1/7
<i>Conochilus unicornis</i>	1/7	2/3	1/7	1
<i>Colurella adriatica</i>	1/3	3	0	0
<i>Encenterum putorius</i>	0	0	2	1/3
<i>Euchlanis dilatata</i>	2	2/3	1	0
<i>Itura aurita</i>	1/7	0	2/3	2
<i>Keratella cochlearis cochlearis</i>	1/7	2/3	0	1
<i>Keratella tecta</i>	1	1/3	1/7	1
<i>Keratella tropica</i>	2/3	1	2	0/7



2/3	0/7	0	0	<i>Keratella quadrata quadrata</i>
1	0	1	2	<i>Lecane clostercera</i>
0	2/7	3/7	1/3	<i>Lecane bulla bulla</i>
0	2	4/3	2/3	<i>Lecane lunaris</i>
0	1/3	3/7	3/7	<i>Lepadella ovalis</i>
0	1/3	3	0	<i>Lophocharis oxyterson</i>
1/7	0/7	0	0	<i>Notholca squamula</i>
2	0	0	0	<i>Pleurotrocha petromyzon</i>
0	1/3	3	0/3	<i>Resticula melandocus</i>
0	2/7	1/3	0	<i>Paradicranophorus aculeatus</i>
3/7	2/7	0	2	<i>Synchaeta pectinata</i>
0	1/7	3	2	<i>Trichotria tetractis similis</i>
0	2/7	3/3	0	<i>Tripleuchlanis plicata</i>
Cladocera				
0	1	3/3	2	<i>pediculus Polyphemus</i>
0	2/7	3/3	3/3	<i>Daphnia similes</i>
1/7	2/7	4	3/3	<i>Daphnia pulex</i>
0/7	1/7	3	2	<i>Leptodora kindtii</i>
0	1	4/3	2	<i>Diaphanosoma brachyurum</i>
Copepoda				
1	1	1/3	1/7	Sars <i>Eudiaptomus gracilis</i>
0	1	2/3	1/7	<i>Mesocyclops leuckarti</i>
1/7	0	1/3	2	<i>Cyclops scutifer</i>
1/7	2/7	1	0	<i>Trophocyclops prasinus</i>
2/3	1/7	2/7	1/7	<i>Eucyclops agilis</i>
2	1	3	2	<i>Megacyclops viridis</i>
1/3	1/3	3	2/7	<i>hibernica Nitocra</i>

شاخص غالبیت گونه‌ای، غنای گونه‌ای و تنوع گونه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت. برای شاخص تنوع گونه‌ای از شاخص شانون و سیمپسون، برای غنای گونه‌ای از شاخص مارگالف و برای یکنواختی گونه‌ای از شاخص‌های اونس و اکویتابیلیتی استفاده گردید.

شاخص‌های زیستی، پراکنش جمعیت‌های مختلف زئوپلانکتونی را از جوانب مختلف مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این شاخص‌ها به چند دسته تقسیم می‌گردند که هرکدام روش خاصی برای محاسبه دارد. در این تحقیق،

جدول 2: شاخص‌های مختلف زیستی بین زئوپلانکتون‌ها

بهار	غالبیت	سیمپسون	شانون	اونس	مارگالف	اکویتابیلیتی
0/042	0/958	3/247	0/91	6/532	0/972	
0/035	0/965	3/437	0/898	7/381	0/97	
0/036	0/964	3/412	0/91	7/823	0/972	
0/055	0/945	2/988	0/918	5/631	0/973	

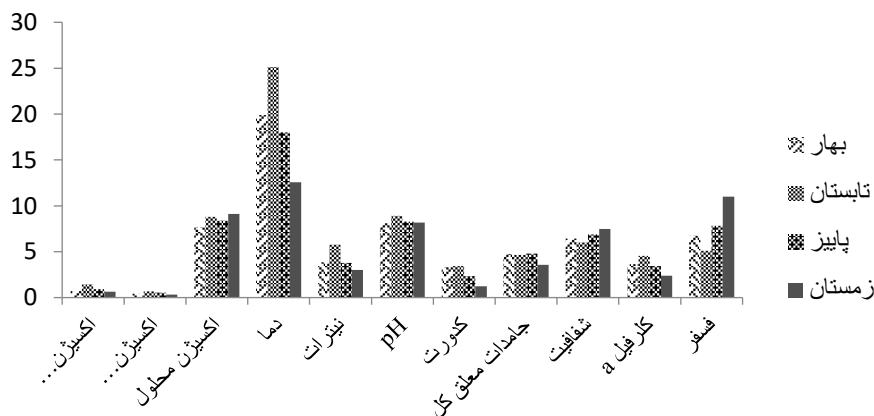
تنوع گونه‌ای مشاهده می‌گردد. شاخص‌های یکنواختی (شاخص‌های اونس و اکویتابیلیتی) نیز نوساناتی را بین فصول مختلف از خود نشان می‌دهند. براساس نتایج به دست آمده، این شاخص در پاییز با عدد 0/973 در مورد اونس بالاترین مقدار را نشان می‌دهد. شاخص

همان‌گونه که در جدول 2 مشاهده می‌گردد شاخص شانون و سیمپسون که نشان‌دهنده تنوع جامعه زئوپلانکتونی است، در فصل تابستان (به ترتیب با 3/437 و 0/965) بالاترین میزان را نشان می‌دهد. حال آن‌که در زمستان به میزان 2/988 کمترین



الکترولیت‌های موجود در این منبع آبی می‌باشد (جدول 3).
COD در تابستان با 1/44 (میلی‌گرم در لیتر) بیشترین میزان و در زمستان با 0/63 (میلی‌گرم در لیتر) دارای کمترین میزان محاسبه شده در بین فصول است. قابل ذکر است که نتایج حاصل شده میانگینی از کل ماه‌ها و ایستگاه‌های مختلف است. BOD نیز مانند COD تغییرات مشابهی را نمایش می‌دهد. اکسیژن محلول در فصل بهار دارای کمترین میزان خود (7/7 میلی‌گرم در لیتر) و در زمستان دارای بیشترین حد خود (9/1 میلی‌گرم در لیتر) بود. همان‌گونه که در شکل 1 مشاهده می‌گردد pH تنها دارای نوسانات کمی در فصول مختلف است، که بین 7/1 در زمستان و 8/9 در تابستان دیده می‌شود. تغییرات فسفر نسبت عکس با پارامترهایی مانند نیترات، BOD، COD، دما، کلرفیل *a* و pH داشته اما با شفافیت، همبستگی مستقیم دارد. در تابستان کلرفیل *a* نیز بیشتر بوده و عکس آن در پاییز و زمستان مقدار آن به شدت کاهش یافته است (شکل 1).

یکنواختی که با اونس و اکویتابیلیتی نشان داده می‌شود نیز بین فصول مختلف تغییراتی دارد. بیشترین میزان شاخص یکنواختی در زمستان با (0/918) و کمترین مقدار آن در تابستان (با 0/898 و 0/973) دیده می‌شود. که دقیقاً عکس شاخص تنوع است. اما شاخص دیگر مارگالف است که نشان‌دهنده غنای گونه‌ای در منطقه مورد مطالعه است. این شاخص به‌ترتیب در پاییز (7/823)، تابستان (7/381)، بهار (6/532) و زمستان (5/631) دیده می‌شود. براساس تجزیه و تحلیل داده‌ها همان‌گونه که انتظار می‌رفت مقدار آمونیاک با نوسانات تغییراتی را از خود نشان داد. به گونه‌ای که در pH 9/1 در مرداد ماه که بالاترین pH را دارا بود میزان آمونیاک به 0/2 میلی‌گرم در لیتر رسید و در اسفند با pH 8/1 به کمترین میزان خود یعنی 0/11 میلی‌گرم در لیتر رسید. میزان فسفر پایین بود و در ماه‌های سرد اندکی بیشتر از ماه‌های گرم سال دیده شد. میزان پایین هدایت الکتریکی نیز نشان‌دهنده مقدار کم



شکل 1: نمودار مقایسه‌ای تغییرات میانگین پارامترهای کیفی آب در فصول مختلف
مصرف اکسیژن شیمیایی (میلی‌گرم در لیتر)؛ مصرف اکسیژن بیوشیمیایی (میلی‌گرم در لیتر)؛ اکسیژن محلول (میلی‌گرم در لیتر)؛ دما (درجه سانتی‌گراد)؛ نیترات (میلی‌گرم در لیتر)؛ کدورت (NTU)؛ شفافیت (متر)؛ غلظت کلرفیل *a* (میکروگرم در لیتر)؛ مواد جامد معلق (میلی‌گرم در لیتر)؛ فسفر کل: (میکروگرم در لیتر).



جدول 3: میانگین پارامترهای کیفی و بیولوژیکی آب در ایستگاه‌های دریاچه سد کارون 4

Chl	Trans	TSS	P	N	Turb	pH	EC	NO ₂	NO ₃	دم ا	DO	NH ₄	NH ₃	BOD	CO D	
/27 3	6/8	7	8	/2 4	4	/3 8	48 1	0/1 <	/9 3	16	/8 8	0/18	/13 0	/45 0	/9 0	فروردین
/68 3	/31 6	4	6	/4 4	4	/1 8	48 3	0/1 <	4	22	8	0/19	/15 0	0/2	/4 0	اردیبهشت
/96 3	/26 6	3	5	/7 3	4	/1 9	44 2	0/1 <	/6 3	22	/8 7	0/19	/18 0	0/5	1	خرداد
/73 4	/71 5	4	4	/7 6	4	9	42 6	0/1 <	/6 6	25	/2 9	<0/2	/19 0	0/7	/4 1	تیر
4/9	/72 5	4	5	/3 6	4	/1 9	44 1	0/1 <	/3 6	28	/8 8	0/21	0/2	0/8	/3 1	مرداد
4/2	/56 6	6	6	/6 5	3	/4 8	51 5	0/1 <	/1 5	22	/6 8	0/16	/17 0	0/6	/2 1	شهریور
3/3	/78 6	6	9	/1 4	3	/1 8	53 6	0/1 <	4	20	/4 8	0/18	/18 0	0/6	/1 1	مهر
/65 3	/81 6	4	8	/9 3	3	/1 8	53 6	0/1 <	/7 3	18	/6 8	0/18	/16 0	0/6	1	آبان
/12 3	/56 7	4	6	/1 4	2	/1 8	62 1	0/1 <	/7 3	16	/6 8	0/17	/12 0	0/4	/7 0	آذر
/71 2	/43 7	5	9	/2 4	1	/1 8	63 2	0/1 <	/5 2	15	9	0/16	/14 0	0/3	/6 0	دی
/36 2	/61 7	3	11	/6 3	1	/1 8	53 6	0/1 <	4	12	/3 9	0/16	0/1	0/3	/6 0	بهمن
2/1	/63 7	2	10	/5 1	2	/1 8	45 9	0/5	/5 1	12	9	0/18	/11 0	0/3	/7 0	اسفند

COD: اکسیژن مورد نیاز شیمیایی (میلی‌گرم در لیتر)؛ BOD: اکسیژن مورد نیاز بیوشیمیایی (میلی‌گرم در لیتر)؛ NH₃: آمونیوم (میلی‌گرم در لیتر)؛ NH₄: آمونیاک (میلی‌گرم در لیتر)؛ DO: اکسیژن محلول (میلی‌گرم در لیتر)؛ دما (درجه سانتی‌گراد)؛ NO₃: نیترات (میلی‌گرم در لیتر)؛ NO₂: نیتریت (میلی‌گرم در لیتر)؛ EC: هدایت الکتریکی (میکرومتر برسانتی‌متر)؛ Turb: کدورت (NTU)؛ N: نیتروژن کل (میلی‌گرم در لیتر)؛ P: فسفر کل (میکروگرم در لیتر)؛ TSS: مواد جامد معلق (میلی‌گرم در لیتر)؛ Trans: شفافیت (متر)؛ Chl: غلظت کلرفیل *a* (میکروگرم در لیتر).

نتایج مربوط به آزمون همبستگی پیرسون بین پارامترهای کیفی آب در جدول 4 نشان داده شده است.



جدول 4: نتیجه آزمون همبستگی پیرسون بین پارامترهای کیفی آب

P	Chl	Trans	TSS	TN	Turb	pH	NO3	دما	DO	BOD	COD	
-0/579** 0/000	0/684** 0/000	-0/584** 0/000	0/356** 0/033	0/637** 0/000	0/496** 0/002	0/788** 0/000	0/607** 0/000	0/677** 0/000	-0/159 0/353	0/824** 0/000	1	همبستگی معنی داری
-0/556** 0/000	0/691** 0/000	-0/661** 0/000	0/334** 0/046	0/549** 0/001	0/550** 0/001	0/606** 0/000	0/542** 0/001	0/647** 0/000	-0/237 0/164	1		همبستگی سطح
0/203 0/235	0/223 0/191	0/229 0/179	-0/289 0/087	0/055 0/748	-0/365** 0/029	0/062 0/720	0/015 0/933	-0/320 0/057	1			همبستگی معنی داری
-0/815** 0/000	0/946** 0/000	-0/885** 0/000	0/276 0/104	0/775** 0/000	0/821** 0/000	0/630** 0/000	0/789** 0/000	1				همبستگی معنی داری
-0/619** 0/000	0/786** 0/000	-0/723** 0/000	0/199 0/244	0/889** 0/000	0/603** 0/000	0/601** 0/000	1					همبستگی معنی داری
-0/486** 0/003	0/603** 0/000	-0/506** 0/002	0/119, 0/490	0/637** 0/000	0/449** 0/006	1						همبستگی معنی داری
-0/714** 0/000	0/797** 0/000	-0/819** 0/000	0/323 0/054	0/554** 0/002	1							همبستگی معنی داری
-0/652** 0/000	-0/785** 0/000	0/680** 0/000	0/313 0/063	1								همبستگی معنی داری
-0/238 0/162	0/291 0/085	-0/285 0/091	1									همبستگی معنی داری
0/**735 0/000	-0/879** 0/000	1										همبستگی معنی داری
-0/871** 0/000	1											همبستگی معنی داری

** همبستگی در سطح 0/01 معنی دار است. * همبستگی در سطح 0/05 معنی دار است. COD: مصرف اکسیژن شیمیایی، DO: محلول، اکسیژن، P: فسفر کل، TSS: مواد جامد معلق، Trans: شفافیت، Chl: غلظت کلروفیل، TN: نیتروژن کل، NO₃: مصرف اکسیژن بیوشیمیایی، کدورت، pH: همبستگی معنی داری

در جدول 5 همبستگی بین پارامترهای کیفی آب با جمعیت شاخه های زئوپلانکتونی برخی پارامترهای کیفی آب با جمعیت شاخه های زئوپلانکتونی استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مشخص شده است. براساس نتایج به دست آمده روتیفرها دارای همبستگی مثبت و معنی داری با دما هستند. کلرفیل نیز دارای همبستگی مثبت و

معنی داری با روتیفر است. BOD و فسفر نیز با فراوانی روتیفرها همبستگی مثبت دارد. فراوانی روتیفرها با اکسیژن محلول نسبت عکس و غیرمعنی دار است.

جدول 5: همبستگی بین برخی پارامترهای کیفی آب با جمعیت شاخه های زئوپلانکتونی

Copepoda	Cladocera	Rotifera	Protozoa	
0/671(*)	0/722(**)	0/640(*)	0/537	COD
0/547	0/787(**)	0/746(**)	0/602(*)	BOD
0/229	-0/238	-0/398	-0/246	DO
0/736(**)	0/876(**)	0/690(**)	0/738(**)	دما
0/667(*)	0/932(**)	0/827(**)	0/804(**)	Chl

** همبستگی در سطح 0/01 معنی دار است. * همبستگی در سطح 0/05 معنی دار است. COD: مصرف اکسیژن شیمیایی؛ BOD: مصرف اکسیژن بیوشیمیایی، DO: اکسیژن محلول، Chl: غلظت کلرفیل.

بحث

فیتوپلانکتون ها است کاهش یافته و در نتیجه شفافیت افزایش یافته است. COD هم چنین با BOD دارای همبستگی مثبت با سطح معنی داری $p < 0/01$ می باشد. که علت آن همسو بودن عوامل افزایش دهنده و کاهش دهنده هر دو پارمتر ذکر شده می باشد. Hur و همکاران (2003)، Attiogbe و همکاران (2007) و Kazanci و همکاران (2009)

با کاهش میزان COD که معمولاً در پی کاهش دما اتفاق می افتد میزان شفافیت افزایش می یابد مانند آنچه توسط Peerapompisal و همکاران (2007) و Lobo و همکاران (2004) بیان شد، چرا که در چنین شرایطی یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر شفافیت که رشد



Sharma (2013) نتایج مشابه و با (2013) Joshi و همکاران (2009) نتایج متفاوتی را نشان می‌دهد. علت این موضوع می‌تواند ورود میزان بالای ترکیبات آلی و معدنی حاصل از فعالیت‌های کشاورزی در مناطق بالادست رودخانه‌های منتهی به دریاچه باشد. اکسیژن محلول، معنی‌داری با بسیاری از پارامترهای موجود در محیط آبی ندارد که با بسیاری از تحقیقات انجام شده در این زمینه مانند Joshi و همکاران (2009) و Garg و همکاران (2010) متفاوت است. یکی از تفاوت‌های منبع آبی مورد مطالعه با دیگر منابع آبی، تولیدات پایین و عمق بالای دریاچه مورد مطالعه نسبت به دیگر منابع آبی است. این امر باعث می‌شود که بین فصول مختلف نوسانات شدیدی ناشی از تغییر عوامل مصرف‌کننده و تولیدکننده اکسیژن در محیط آبی حاصل نگردد، چرا که در صورت بالا بودن عمق انحلال مواد معدنی از رسوبات کف به ستون آب به دلیل بالابودن عمق کم بوده در نتیجه تولیدات پلانکتونی به شدت کاهش می‌یابد. بنابراین به دلیل کاهش تولیدات در دریاچه، فرایند مصرف اکسیژن در طول شب و تولید آن در طول روز نیز با نوسانات کمی روبرو می‌گردد، از این‌رو اختلافات میزان اکسیژن در این فصول نیز به شکل قابل‌توجهی نیست. هرچه فتوسنتز بالاتر باشد، میزان فسفر بیش‌تری مصرف شده و مقدار آن در آب کاهش می‌یابد از طرفی عمق دید که نشان‌دهنده شفافیت است نیز کاهش می‌یابد. دما اما عامل مهمی در زمینه تأثیر بر دیگر پارامترهای کیفی آب است. همان‌گونه که انتظار می‌رفت با افزایش دما به جز پارامترهای بحث شده، عواملی مانند کلروفیل، کدورت و pH نیز به شکل معنی‌داری افزایش یافت این نتایج توسط Anago و همکاران (2013) Pillay (2013) و Zhou و همکاران (2010) نیز بیان شده است. این افزایش نه‌چندان زیاد در تابستان می‌تواند به دلیل کاهش

نیز نتایج مشابهی به دست آوردند. بین اکسیژن محلول با COD و BOD همبستگی منفی بوده اما معنی‌دار نیست. این نتایج برخلاف نتایج به دست آمده توسط Kazanci و همکاران (2009) و Yilmaz (2013) است که علت آن می‌تواند اختلاف کم بین فصول مختلف از نظر اکسیژن محلول باشد. فسفر به‌عنوان عامل محدودکننده رشد فیتوپلانکتون‌ها مطرح است. چراکه در تابستان و در تیرماه به 4 میکروگرم در لیتر رسید. دما نیز با مصرف اکسیژن شیمیایی و بیوشیمیایی دارای همبستگی مثبت و معنی‌دار است. علت آن افزایش سرعت فرایندهای شیمیایی و بیوشیمیایی طی افزایش دما است. در زمان افزایش فراوانی فیتوپلانکتونی در محیط آب غلظت کلروفیل نیز افزایش می‌یابد از طرفی با مصرف فسفات غلظت فسفر کل نیز کاهش می‌یابد. یکی از دلایل افزایش COD و BOD بالارفتن بار آلی آب و در نتیجه تجزیه شیمیایی و بیوشیمیایی این ترکیبات است (Bartram و Balance، 1996). از این‌رو با افزایش جمعیت پلانکتونی از یک سو تنفس افزایش می‌یابد و از سوی دیگر با افزایش مرگومیر آن‌ها بار آلی زیادتری نیز در شرایط تجزیه شیمیایی و بیوشیمیایی قرار می‌گیرد که این امر می‌تواند موجب افزایش COD و BOD و هم‌سویی آن‌ها با میزان کلرفیل و عدم هم‌سویی آن‌ها با فسفر گردد. هم‌چنین با افزایش چنین شرایطی در محیط آبی (افزایش جمعیت پلانکتونی) کدورت آب نیز افزایش می‌یابد (Bartram و Balance، 1996). همان‌گونه که Zhou و همکاران (2010) و Nirmal و همکاران (2011) به چنین نتیجه‌ای رسیدند. همبستگی مثبت نیترات و نیترژن کل نمایانگر ورود حجم بالای این ماده مغذی در فصل تابستان است چرا که در حالت عادی این ماده مغذی باید به دلیل مصرف توسط فیتوپلانکتون‌ها کاهش می‌یافت البته نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این پارامتر با اطلاعات به دست آمده از تحقیق Yilmaz



نتایج حاصل از این تحقیق، رابطه pH با BOD مثبت و معنی‌دار بود. که علت آن افزایش تولید BOD در طول ماه‌های گرم‌تر و به دلیل افزایش فعالیت و تولیدات آبیان خصوصاً فیتوپلانکتون‌ها است، از طرفی رشد فیتوپلانکتون‌ها با مصرف بالای دی-اکسیدکربن همراه بوده که خود یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر افزایش pH است. براساس نتایج به دست آمده کدورت با تمامی پارامترهای اندازه‌گیری شده همبستگی معنی‌داری دارد. که در این میان با شفافیت و میزان فسفر همبستگی منفی دارد علت منفی بودن همبستگی کدورت با فسفر این است که مهم‌ترین عامل موثر در ایجاد کدورت در دریاچه‌های وسیع و با عمق زیاد حضور فیتوپلانکتون‌ها و زئوپلانکتون‌هاست و رشد فیتوپلانکتون‌ها و به دنبال آن رشد زئوپلانکتون‌ها با مصرف فسفر آب به‌عنوان ماده مغذی میسر می‌گردد. در تحقیق انجام شده توسط Joshi و همکاران (2009) و Tijare و همکاران (2008) کدورت با دما و pH همبستگی منفی و غیرمعنی‌دار دارد، اما در این تحقیق افزایش دما به دلیل افزایش تولیدات اولیه و افزایش pH به علت فرایند ایجاد شده توسط افزایش تولیدات اولیه، همبستگی مثبت و معنی‌داری با کدورت دارند، مانند آنچه در مطالعه انجام شده توسط Sharma و Singh (2013) آمده است (جدول 4).

عدم حضور جنس *Arcella* و گونه‌هایی چون *A. excavata* که شاخص آب‌های آلوده است، نشان‌دهنده تولیدات اولیه پایین در این دریاچه می‌باشد مانند آنچه در مطالعه انجام شده توسط Laher و Lopes (2009)، Todorov و Golemansky (2003) و Tsyganov و Mazei (2006) به دست آمد. در میان گروه‌های شناسایی شده گونه *Diffugia mulanensis* شاخص آب‌های الیگوتروف است (Yilmaz، 2013). تابستان و پاییز نیز دارای بالاترین تنوع پروتوزوا بودند که این موضوع می‌تواند با توجه به توالی ظهور و رشد زئوپلانکتون‌ها پس از پیدایش و گسترش فیتوپلانکتون‌ها توجیه نمود

میزان دی‌اکسیدکربن موجود در آب تحت تأثیر فتوسنتز باشد. علت آن‌که دما با جامدات معلق همبستگی ندارد این است که، مواد جامد معلق تحت تأثیر عوامل زیادی بوده که گاهی ربطی به دما ندارد. یکی از این عوامل وجود جریان‌های آبی خصوصاً امواج است. وجود امواج باعث می‌گردد مواد معلق از کناره‌های دریاچه به درون محیط آبی رها شود که مواد معلق را در محیط افزایش می‌دهد. pH به جز با اکسیژن محلول و TSS با بقیه پارامترها دارای همبستگی بود. pH آب عاملی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد. pH عاملی است که مشخص‌کننده عکس قدرت یون هیدروژن در محیط آبی است. حال عواملی که باعث کاهش هیدروژن در آب شوند، می‌توانند pH آب را افزایش دهند. یکی از این عوامل میزان دی‌اکسیدکربن موجود در آب است. بنابراین عواملی مانند BOD، COD باید موجب کاهش pH آب شود. اما نکته قابل توجه این است که در طول روز که نمونه‌گیری‌ها صورت گرفته، در شرایطی که فاکتوهای ذکر شده بالا بوده، فتوسنتز نیز به دلیل فعالیت بالای فیتوپلانکتون‌ها افزایش پیدا کرده و در نتیجه میزان دی‌اکسیدکربن آب کم شده و pH آب نیز به تبع آن بالا رفته است. این شرایط در تحقیق انجام شده توسط Anago و همکاران (2013)، Garg و همکاران (2010) و Zhou و همکاران (2010) نیز آمده است. Garg و همکاران (2010) بیان کردند که pH با دما رابطه مستقیم و معنی‌دار، با کلروفیل و نیترات مستقیم و معنی‌دار و با فسفات غیرمستقیم و معنی‌دار دارد. نظیر آنچه در تحقیق حاضر به دست آمد. اما در مطالعه انجام شده توسط Kazanci و همکاران (2009) مشخص شد که فسفات با pH رابطه مستقیم و معنی‌دار و نیترات با آن رابطه غیرمستقیم و معنی‌دار دارد که مطالعه حاضر را رد می‌کند. در پژوهش انجام شده توسط Forró و همکاران (2008) نظیر



مشاهده است. در مورد پروتوزوآها اما شرایط با آنچه در مورد روتیفرها به دست آمده متفاوت است. همبستگی فراوانی پروتوزوآها با BOD و دما، مثبت و معنی‌دار و با فسفر منفی و معنی‌دار است که علت آن ظهور حداکثری این شاخه از زئوپلانکتون‌ها در فصل تابستان و پس از ظهور گروه‌ها مختلف زئوپلانکتونی دیگر مانند روتیفرها است اما در پژوهش انجام شده توسط Paulose و Maheshwari (2008) عکس این نتیجه به دست آمد. به طور کلی BOD همه شاخه‌های زئوپلانکتونی به جز کوپه‌پودا دارای همبستگی مثبت و معنی‌دار است چرا که کوپه‌پودا برخلاف سایر گروه‌های زئوپلانکتونی، جزء گروهی از زئوپلانکتون‌ها هستند که هم در وجود شرایط فقیر غذایی و هم در دمای سرد به خوبی رشد می‌کند و این موضوع با میزان BOD تولید شده در آب (که در تابستان بالاترین مقدار خود را دارد) هم‌خوانی کاملی ندارد. بنابراین می‌توان گفت با افزایش جمعیت زئوپلانکتونی مصرف بیوشیمیایی اکسیژن نیز افزایش می‌یابد این نتایج مطابق با آنچه توسط Ishaq و Khan (2013) و متضاد با آنچه توسط Tidame و همکاران (2009) به دست آمد می‌باشد. کلادوسرا با COD، BOD و دما و کلرفیل همبستگی مثبت و معنی‌دار دارد. این بدان معنی است که با افزایش جمعیت کلادوسرا پارامترهای ذکر شده افزایش یافته است. این امر به این دلیل است که کلادوسرا برخلاف روتیفرها، هم گیاه‌خوار (اغلب در زمان ناپلی) و هم گوشت‌خوار (اغلب در زمان بلوغ) هستند و به جای استفاده از فیتوپلانکتون‌ها از سایر زئوپلانکتون‌ها مانند روتیفرها برای تغذیه استفاده می‌کنند. بنابراین از نظر توالی پلانکتونی پس از روتیفرها در محیط آب ظاهر می‌گردند و رشد حداکثری این شاخه در تابستان و بلافاصله پس از ظهور روتیفرها به عنوان مهم‌ترین منبع غذایی آن‌ها است. این نتایج مطابق آنچه در Tidame و همکاران (2009) آمده است می‌باشد. براساس

(Covich و Thorp، 2001). گونه *Asplanchna priodonta* از گونه‌های بومی ایران و رودخانه کارون است (Reihan- Reshteh و Rahimian، 2014). این گونه از گونه‌هایی است که به طور فراوان در آب‌های راکد یافت می‌گردد. این گونه یوری‌ترم بوده و تقریباً در تمام طول سال قابل مشاهده می‌باشد (Bancsi، 1980). از طرفی گونه *Lecane lunaris* نیز از گونه‌های شناسایی شده در ایران است. این گونه بیشتر در منطقه حاشیه‌ای (Littoral) یافت می‌گردد، اما در آب‌های باز نیز زیست می‌کند (Bancsi، 1980) (جدول 2). جنس *keratella* به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع غذایی جنس *Daphnia* مطرح است بنابراین این انتظار می‌رود با افزایش جمعیت جنس *Daphnia*، فراوانی جنس *Keratella* نیز کاهش یابد. در مطالعات انجام شده نیز این مسئله به اثبات رسید که اگرچه این همبستگی، معنی‌دار نبود اما به صورت منفی خود را نشان داد (Thorp و Covich، 2001). عدم معنی‌داری همبستگی به دلیل تأثیر عامل دیگر مانند دمای هوا و رشد و فراوانی فیتوپلانکتون‌ها در رشد هر دو جنس خصوصاً *Keratella* می‌تواند باشد. کلادوسرا به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های کنترل‌کننده جمعیت فیتوپلانکتون‌ها با توجه به قابلیت فیلترکنندگی بالای خود هستند. چرا که جنس‌هایی مانند دافنی‌ها در مراحل ناپلی از فیتوپلانکتون‌ها تغذیه می‌کنند (Forró و همکاران، 2008). از نظر محیط زندگی دافنی‌ها در مناطق مختلف محیط آبی از رسوبات گرفته تا سطح آب زندگی می‌کنند. در این میان جنس‌هایی مانند *Daphnia*، *Diaplanosoma*، *Bosmina* و *Leptodora* ساکن مناطق سطحی محیط‌های آبی هستند. در مورد پاروپایان گونه *Eudiaptomus gracilis* به دلیل یوری‌ترم بودن در تمام فصول دیده می‌شود به گونه‌ای که در دمای 7 تا 30 درجه سانتی‌گراد قابل رؤیت است. اما دمای بهینه آن 17 درجه سانتی‌گراد است (Bozkurt و Akin، 2012). به همین دلیل بیشتر در فصل بهار قابل



- plain of the Bodrog at Sarospatak. Tiscia (Szeged). Vol. 15, pp: 61-92.
5. **Bartram, J. and Balance, R., 1996.** Water Quality Monitoring - A practical guide to the design and implementation of freshwater quality studies and monitoring programmes. UNEP and WHO. 348 P.
 6. **Bellinger, E.G. and Sigeo, D.C., 2010.** Freshwater algae identification and Use as Bioindicators. Blackwell, John Wiley & Sons, Ltd, 285 P.
 7. **Bozkurt, A. and Akin, S., 2012.** First record of Eudiaptomus gracilis (G.O. Sars, 1863) (Copepoda: Diaptomida) in the inland waters of Turkey. Turk J Zool. Vol. 36, No. 4, pp: 503-511.
 8. **Edmonson, W.T., 1965.** Reproductive rate of planktonic rotifers as related to food and temperature in nature. Ecol Monogr. Vol. 35, pp: 61-111.
 9. **Egborge, A.B.M., 1972.** A preliminary checklist of the zooplanktonic organisms of the River Oshun in the Western State of Nigeria. Nigeria Journal of Science. Vol. 6, pp: 67-71.
 10. **Ekpo, I.E.; Chude, L.A.; Onuoha, G.C. and Udoh, J.P., 2012.** Studies on the physico-chemical characteristics and nutrients of a tropical rainforest river in southeast Nigeria. AACL Bioflux. Vol. 5, No. 3, pp: 142-162.
 11. **Florin, M.B., 1957.** Plankton of fresh and brackish waters in the Södertälje area. Almqvist & Wiksells boktr. 144 P.
 12. **Forró, L.; Korovchinsky, N.M.; Kotov, A.A. and Petrussek, A., 2008.** Global diversity of cladocerans (Cladocera; Crustacea) in freshwater. Hydrobiologia. Vol. 595, pp: 177-184.
 13. **Garg, R.K.; Rao, R.J.; Uchchariya, D.; Shukla, G. and Saksena, D.N., 2010.** Seasonal variations in water quality and major threats to Ramsagar reservoir, India. Afr. J. Environ. Sci. Technol. Vol. 4, No. 2, pp: 61-76.
 14. **Goswami, S.C., 2004.** Zooplankton Methodology, Collection & Identification - a field Manual. National Institute of Oceanography, Dona Paula, Goa. 24 P.
 15. **Hur, J.; Lee, B.M.; Lee, T.H. and Park, D.H., 2010.** Estimation of Biological Oxygen Demand and Chemical Oxygen Demand for Combined Sewer Systems Using Synchronous Fluorescence Spectra. Sensors. Vol. 10, pp: 2460-2471.
 16. **Harikrishnan, K. and Abdul Aziz P.K., 1989.** Ecology of the Neyyar reservoir-A Preliminary report: In proceedings of Kerala Science Congress, Cochin. pp: 140-145.
 17. **Ishaq, F. and Khan, A., 2013.** Comparative assessment of physico-chemical conditions and Plankton diversity of River Tons and Asan in Dehradun District of Uttarakhand. Adv. Appl. Sci. Res. Vol. 4, No. 2, pp: 342-355.
 18. **Jafari, N. and Alavi, S.S., 2010.** Phytoplankton community in relation to physico-chemical characteristics of the Talar River, Iran. J. Appl. Sci. Environ. Manage. Vol. 14, No. 2, pp: 51-56.
 19. **Joshi, D.M.; Bhandari, N.S.; Kumar, A. and Agrawal, N., 2009.** Statistical analysis of physicochemical parameters of water of River Ganga in Haridwar direct. Rasayan J.Chem. Vol. 2, No. 3, pp: 579-587.
 20. **Kazanci, N.; Oguzkurt, D.G. and Dugel, M., 2009.** Multivariate analysis of phytoplankton assemblages in Beyflehir Lake (Turkey) as a tool of water quality

نتایج به دست آمده از جدول 5 کوبه پودا تنها با دما و COD همبستگی مثبت و معنی دار دارد. به دلیل آن که این گروه از زئوپلانکتون ها به عنوان شکار مورد استفاده دیگر زئوپلانکتون ها قرار نمی گیرد، مهم ترین عوامل مؤثر بر جمعیت این گروه از جانوران دما و وفور غذا است و چون این جانوران صرفاً شکارچی هستند (برخلاف روتیفرها و کلادوسرا که در دوران ناپلی از فیتوپلانکتون ها تغذیه می کنند) فراوانی آنها وابستگی کمتری به کلرفیل a دارد (Thorp و Covich, 2001). در مطالعه اخیر، با توجه به اطلاعات به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده های مربوط به پارامترهای کیفی و فراوانی جمعیت زئوپلانکتونی مشخص گردید که دریاچه مورد مطالعه جزء دریاچه های با تولیدات کم بوده و می توان آن را دریاچه ای الیگومزوتروف نامید. از طرفی روابط بین پارامترهای کیفی آب و فراوانی جمعیت زئوپلانکتونی نشان دهنده رابطه بالا و تأثیرپذیری زیاد روتیفرها و کلادوسرا از اغلب پارامترهای کیفی مورد مطالعه آب است. در این میان کوبه پودا و پروتوزوا با ایجاد رابطه معنی دار 4 پارامتر در جایگاه بعد قرار داشتند از طرفی دما با تأثیر بر همه 4 گروه زئوپلانکتونی مؤثرترین پارامتر بین موارد مورد مطالعه بود.

منابع

1. **APHA (American Public Health Association), 1999.** Standard methods for the examination of water and wastewater, Biological examination. American Water works Association, and Water Pollution Control Federation, American Public Health Association, Washington, D.C. 773 P.
2. **Anago, I.J.; Esenowo, I.K. and Ugwumba, A.A.A., 2013.** The Physico-chemistry and Plankton Diversity of Awba Reservoir University of Ibadan, Ibadan Nigeria. Res. J. Environ. Earth Sci. Vol. 5, No. 11, pp: 638-644.
3. **Attigbhe, F.K.; Glover-Amengor, M. and Nyadziehe, K. T., 2007.** Correlating biochemical and chemical oxygen demand of effluents - A Case Study of Selected Industries in Kumasi, Ghana. Vol. 11, No. 1, pp: 30-41.
4. **Bancsi, I., 1980.** The Rotatoria fauna of the flood-



36. **Tijare, R.V. and Thosar, M.R., 2008.** Rotifer Diversity in Three Lakes of Gadchiroli, a Tribal District of Maharashtra (India). Proceedings of Taal2007: The 12th World Lake Conference. pp: 480-483.
37. **Todorov, M. and Golemansky, V., 2003.** Morphology, Biometry and Ecology of *Arcella excavata* Cunningham, 1919 (Rhizopoda: Arcellinida). Acta Protozool. Vol. 42, No. 2, pp: 105-111.
38. **Tsyganov, A. and Mazei, Y., 2006.** Morphology, biometry and ecology of *Arcella gibbosa* Penard 1890 (Rhizopoda, Testacealobosea). Protistology. Vol. 4, No. 3, pp: 279-294.
39. **Wiśniewska, M., 2010.** Phytoplankton dynamics in the reservoir lake "Żur" on the Pomeranian Wda River. International Journal of Oceanography and Hydrobiology. Vol. 19, No. 4, pp: 157-171.
40. **Yang, J.; Meisterfeld, R.; Zhang, W. and Shen, Y., 2005.** *Diffugia mulanensis* nov. spec., a freshwater testate amoeba from Lake Mulan, China. European Journal of Protistology. Vol. 41, No. 4, pp: 269-276.
41. **Yilmaz, N. 2013.** Phytoplankton composition of Sazlidere Dam Lake, Istanbul, Turkey. Maejo Int. J. Sci. Technol. Vol. 7, No. 2, pp: 203-211.
42. **Zhou, G.; Zhao, X.; Bi, Y.; Liang, Y.; Hu, J.; Yang, M.; Mei, Y.; Zhu, K.; Zhang, L. and Hu, Z., 2010.** Phytoplankton variation and its relationship with the environment in Xiangxi Bay in spring after damming of the Three-Gorges, China. Environ. Monit. Assess. Vol. 176, pp: 125-141.
- monitoring and management. Review of Hydrobiology. Vol. 1, pp: 45-56.
21. **Laher, D.J.G. and Lopes, S.G.B.C., 2009.** Evaluating the Taxonomic Identity in Four Species of the Lobose Testate Amoebae Genus *Arcella* Ehrenberg, 1832. Acta Protozool. Vol. 48, No. 2, pp: 127-142.
22. **Lobo, E.A.; Callegaro, V.L.M.; Hermany, G.; Bes, D.; Wetzel, C.A. and Olivera, M.A., 2004.** Use of epilithic diatoms as bioindicators from lotic systems in southern Brazil, with special emphasis on eutrophication. Acta Limnol. Bras. Vol. 16, No. 1, pp: 25-40.
23. **Makarewicz, J.C., 1984** Phytoplankton and zooplankton in Lakes Erie, Lake Huron, and Lake Michigan. U. S. Environmental Protection Agency. 276P.
24. **Megyeri, J., 1961.** Osszehasonifto hidrofauzisztikai vizsgalatok a Tisza holtagain. (Comparative hydrofaunistic investigations in the dead-arms of the Tisza. Acta Acad. Ped. Szeged. pp: 121-133.
25. **Miller, S.A. and Harley, J.P., 2001.** Zoology, 5th Edition. McGraw Hill, Boston, MA. pp: 110-130.
26. **Nirmal Kumar, J.I. and Oommen, C., 2011.** P Phytoplankton composition in related to hydrochemical properties of tropical community wetland, Knewal, Gujarat, India. Applied Ecology and environmental research. Vol. 9, No. 3, pp: 279-292.
27. **Paulose, P.V. and Maheshwari, K., 2008.** Seasonal Variation in Zooplankton Community Structure of Ramgarh. Lake, Jaipur, Rajasthan. Proceedings of Taal, the 12th World Lake Conference. pp: 82-87.
28. **Peerapornpisal, Y.; Preechapanya, P.; Wanathong, P. and Promkutkaew, S.,** Use of macroalgae and benthic diatom for water quality assessing in Mae Chaem stream, Chiang Mai, Thailand. Bibliographic research and thesis. Vol. 27, pp: 321-333.
29. **Pillay, K. and Pillay, S., 2013.** Statistical Analysis of Physico-chemical Properties of the Estuaries of KwaZulu-Natal, South Africa. Int. J. Environ. Res. Vol. 7, No. 1, pp: 11-16.
30. **Reihan-Reshteh, R. and Rahimian, H., 2014.** Rotifers of southwest Iran: a faunistic and biogeographical study. Turkish Journal of Zoology. Vol. 38, pp: 525-537
31. **Saenger, P., 1989.** Chrysophytes: aspects and problems by J Kristiansen & RA Andersen-Book review', Australian Journal of Ecology. vol. 14, pp: 563-564.
32. **Sharma, K.D. and Singh, R.P., 2013.** Correlation between physico-chemical parameters and phytoplanktons of Tighra reservoir, Gwalior, Madhya Pradesh. I.J.S.N. VOL. 4, No. 1, pp: 90-95.
33. **Suresh, S.; Thirumala, S. and Ravind, H.B., 2011.** Zooplankton Diversity and its Relationship with Physico- Chemical Parameters in Kundavada Lake, of Davangere District, Karnataka, India. ProEnvironment. Vol. 4, pp: 56-59 .
34. **Thorp, J.H and Covich, A.P., 2001.** Ecology and Classification of North American Freshwater Invertebrates, Second Edition. A Harcourt Science and Technology Company, San Diego, California, USA. 1073 P.
35. **Tidame, S.K. and Shinde, S. S.,** Report on correlation of zooplankton with physico- chemical factors from freshwater temple pond. Journal of Experimental Sciences. Vol. 3, No. 7, pp: 13-16.

